

دگرگونی‌های حضور زنان در فضای عمومی شهری مورد کاوی: پارک ائل گلی و خاقانی تبریز

احمد پورا احمد^۱، یوسف اشرفی^{۲*}، طلا رشیدی^۳

چکیده

در دهه اخیر، تغییراتی در زمینه حضور زنان در فضای عمومی شهری مشاهده می‌شود. بدین لحاظ، این نوشتار، با توجه به تحولات و دگرگونی‌های حاکم بر چنین فضاهایی برای پذیرش حضور زنان، انتخابی یا ضروری شدن حضور زنان را در این فضاها بررسی می‌کند. روش تحقیق از نوع پیمایشی است و برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شد. نمونه آماری شامل ۱۲۸ نفر از شهروندان مرد و ۱۳۳ نفر از شهروندان زن شهر تبریز است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی بررسی شدند. براساس نتایج پژوهش، زنان جوان هنوز هم در مقایسه با مردان، آزادی عمل و استقلال کمتری برای حضور در فضاهای عمومی دارند. محدودیت‌های خانوادگی، کارهای زنانه، و آزاد نبودن فعالیت‌های مناسب برای زنان در فضاهای عمومی، مانند پارک، از عوامل مهم محدودکننده حضور زنان در فضاهای عمومی نظیر پارک‌هاست. حضور زنان در این عرصه‌ها افزایش یافته است که بخشی از این افزایش با توجه به حضور گسترده زنان در مراکز دانشگاهی، آموزشی، و مراکز شغلی اجتناب‌ناپذیر است. بخش دیگری از حضور زنان در فضاهای عمومی به دلیل کاهش مقاومت مردان و خانواده‌ها در مقابل زنان برای حضور در این عرصه است. به عبارت دیگر، دیدگاه‌های جامعه (شامل هر دو گروه زنان و مردان) به فضاهای عمومی شهری و حضور زنان در این فضاها دگرگون شده است.

کلیدواژگان

پارک، تبریز، زنان، فضای عمومی، فضای عمومی شهری.

apoura@ut.ac.ir

y.ashrafi@ut.ac.ir

talarashidy@gmail.com

۱. استاد گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۲. پژوهشگر دکتری برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۷

طرح مسئله

فضای عمومی در جوامع اسلامی سنتی، اغلب «فضایی مردانه» در نظر گرفته می‌شود و می‌تواند با غیاب زنان تعریف شود. محیط خانه وابسته به زنان است و راه‌های درک فضای عمومی و خصوصی به‌طور وسیعی بر مفاهیم اسلامی «محرم» و «نامحرم» متکی است. از این رو فضاها برای مسلمانان به صورت «خصوصی» و «عمومی» تعریف نمی‌شود، بلکه بر مبنای شخصی که فضا را در یک زمان خاص تصاحب می‌کند متمایز می‌شود. زمانی که مهمان نامحرمی فرامی‌رسد، فضای خانه خصوصی ممکن است به فضایی نیمه‌عمومی بدل شود و برعکس، زمانی که زن میزبان دوستان مؤنث خود، که به مرد خانه نامحرم‌اند، باشد، مرد اجازه ورود به فضای داخلی خانه خودش را ندارد [۳۴، ص ۱۰۱ و ۱۰۲]. زنان در جامعه مسلمان بیشتر در «اندرون» زندگی می‌کردند؛ زندگی خارج از خانه و محله، زندگی «بیرونی» تلقی می‌شد و غیرمجاز. تردد در نقاط دیگر شهر فقط زمانی مجاز بود که با حضور مرد خانواده صورت گیرد یا دلیل مهمی داشته باشد. تفریحات زنان به شرکت در مراسم و اعیاد مذهبی و یا وقت‌گذرانی با همسایه‌ها و دوستان و اقوام در خانه‌ها یا تفریحاتی با حضور بقیه افراد خانواده خلاصه می‌شد [۱۹، ص ۹۵]. مهم‌تر از آن اینکه، زندگی زنان در فرهنگ ایرانی در دو فضای کاملاً تعریف‌شده امکان می‌یافت؛ اول خانه پدر و دوم خانه شوهر و با قطعیت تمام حالت سومی وجود نداشت. این تعریف فقط نوعی نامگذاری فضایی نیست، بلکه بخشی از اجبارهای عریض و طویل و نامحدود مناسبات اجتماعی است که زنان را عنصری متعلق به حوزه خصوصی مردانه معرفی می‌کند [۱۹].

مهم‌ترین مکان‌هایی که زنان در آن محل‌ها اجازه حضور می‌یافتند عبارت بودند از: محکمه طبیب، تکیه برای شرکت در مراسم تعزیه که جدایی کامل فضاهای زنانه و مردانه در آن تحقق می‌یافت، اماکن زیارتی و بقاع خارج از شهر و سرزدن به قبور خویشاوندان در عصرهای پنجشنبه، بازارها، حمام عمومی، و نیز منزل دوستان و اقوام. حمام‌های عمومی محل تبادل آخرین اطلاعات درباره شهر بود و از حضور در آن‌ها به‌منزله «پیک‌نیک زنان» و نیز «نوعی محفل زنانه» یاد شده است. این اماکن در تداوم عرصه خانگی (برای ایفای نقش‌های سنتی زنانه) و کاملاً زنانه بود و در عمل زمان زیادی از وقت بانوان در این اماکن می‌گذشت [۲۷، ص ۱۳۴ و ۱۳۵؛ ۲۳، ص ۴۷؛ ۲۴، ص ۶۳].

در صد سال گذشته، فضای اندرونی و کنترل‌شده به‌آهستگی مفهوم مکانی خاص خود را برای همیشه از دست داد؛ سپس توانایی انتقال از خانه به محله و فضاهای بزرگ شهری را پیدا کرد. این توانایی نه تنها در عرصه‌های عمومی شهری نمودار شد، بلکه به‌نوعی چگونگی حضور زنان در محیط شهری را تحت‌تأثیر خود قرار داد. البته واقعیت این است که روابط اجتماعی و زندگی روزمره زنان شهری ایرانی در گروه‌های سنی و طبقاتی مختلف متفاوت و در نتیجه امکان‌های دسترسی ایشان به عرصه‌های عمومی نیز کاملاً متفاوت و حتی در برخی موارد

به‌شدت محدود است. اما در دههٔ اخیر جامعهٔ ایرانی با ورود بیش از پیش زنان و دختران جوان به محیط‌های کار و آموزش، که در تناقض با دیدگاه‌های سنتی بود، مواجه شده است [۱۹، ص ۹۵]. هدف مقاله حاضر بررسی دگرگونی‌های حضور زنان در عرصهٔ عمومی (نمونهٔ خاص آن پارک‌های شهری به‌منزلهٔ یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی شهرها) است. برای این منظور، سؤالات پژوهش به این صورت طرح می‌شود:

۱. با توجه به اینکه فضاهای عمومی وجه اساسی فیزیکی از عرصهٔ عمومی است و نیز یکی از مکان‌های مهم برای تفریح و گذران اوقات فراغت است، تحولات و دگرگونی‌های حاکم بر چنین فضاهایی برای پذیرش زنان چگونه بوده است؟
۲. حضور زنان در فضاهای عمومی برای آن‌ها حالت انتخابی دارد یا بیشتر به دلیل ضرورت‌هایی است که در جامعه شکل گرفته است (ضرورت‌هایی مانند کارکردن و تحصیل زنان)؟
۳. مهم‌ترین مشکلات و موانع برای حضور زنان در فضاهای عمومی شهری مانند پارک‌ها چیست؟

چارچوب نظری پژوهش

آشوری در کتاب *ما و مدرنیت* در کنار سه هجوم تاریخی بزرگ به سرزمین ایران (حملهٔ اسکندر و یونانیان، حملهٔ اعراب، و هجوم مغول) [۴] به تاخت بزرگ دیگر از بیرون اشاره می‌کند به نام «تاخت غرب». به نظر او، تاخت چهارم، یا همان تاخت غرب، ماهیتی به‌کل جدا از تاخت‌وتازهای دیگر دارد و به همین دلیل اثرها و برآیندهای آن در تاریخ ایران به‌کل چیز دیگری است، زیرا تمدن غرب ماهیتی جدا از همهٔ تمدن‌های دیگر بر زمین دارد؛ تمدنی است که همهٔ ذهنیت بشر و آنچه روی زمین است و آنچه آسمانی است را از نو ارزیابی و قالب‌گیری کرده است [۴، ص ۱۴۷]. «مدرنیته» به‌منزلهٔ یکی از پارادایم‌های اساسی قرن بیستم و نتایج عملی آن، یعنی نوپردازی (مدرنیزاسیون)، با جلوه‌ها و بیان‌های متفاوت خود، همراه با این تاخت غرب وارد ایران شده است. تفاوت اینجاست که ورود غرب به ایران شاید خیلی جاها خواست خود ایرانیان نبوده، ولی ورود مدرنیته و به‌خصوص مدرنیزاسیون، به‌منزلهٔ دستاورد تمدن غرب، چیزی است که خیلی از ایرانیان هم خواستار به خدمت‌گیری آن بوده‌اند. البته نحوه و شرایط برخورد با مدرنیته در میان ایرانیان و دیدگاه‌ها به آن بسیار متفاوت است که در بحث حاضر نمی‌گنجد.

مدرنیته همهٔ ابعاد زندگی را در جهان، و به‌خصوص در کشورهای جهان سوم، مانند ایران، دگرگون کرده است. یکی از این ابعاد مهم، خروج زنان از اندرونی به بیرونی و حضور چشمگیرشان در عرصهٔ عمومی است. این خروج از اندرونی، دلایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی،

و فرهنگی زیادی دارد. مقاله به دنبال این دلایل نیست، بلکه در پی ماهیت و شدت این خروج از اندرونی و کاوش دیدگاه‌های مختلف زنان و مردان به این پدیده است. اینکه ماهیت انتخابی این خروج وزن بیشتری دارد یا اینکه بیشتر به لحاظ ضرورت‌هایی مانند کار، تحصیل، و... است. برای این منظور یکی از عرصه‌های مهم عمومی مدرن (پارک‌های شهری) در یکی از مدرن‌ترین مادرشهرهای کشور ایران (تبریز) بررسی شد.

زنان در فرهنگ سنتی ایران

در طول قرن‌ها، شکلی از خانواده در ایران وجود داشت که جامعه‌شناسان آن را به اصطلاح کلی «خانواده گسترده» وصف کرده‌اند. این خانواده براساس «پدرتباری» و «پدرمکانی» و «اولویت جنس مذکر» استوار بود و سازمان مرتبی داشت که زیر نظر پدر اداره می‌شد. منزلت اجتماعی زن ناچیز بود و به فرزندآوردن و انجام دادن کارهای خانگی و گاهی نیز کشاورزی و نساجی محدود می‌شد [۶، ص ۱۶۲]. «در نظام اجتماعی تهران قدیم، زنان دارای نقش چندان فعالی در هیچ‌یک از امور نبودند و به همین دلیل، جای چندان‌ی در تفریحات نداشتند و سهم و بهره‌ای از سرگرمی‌های رایج نمی‌بردند، جز آن دسته از زنان که همراه با خانواده خود به زیارت اماکن متبرکه می‌رفتند، تقریباً بقیه تفریحات جنبه‌ای مردانه داشت» [۱۶، ص ۳۶۵]. این چیزی است که سفرنامه‌نویسان خارجی هم به آن اذعان دارند. کلارا کولیور رایس در کتاب خود می‌نویسد: «زنان ایرانی بسیار کم و برخی از آنان حتی کمتر از آن، از خانه بیرون می‌رفتند» [۳۰، ص ۱۴۵]. یا در جایی دیگر می‌گوید: «زنان ایرانی به میهمانی و سرگرم کردن دوستان خود علاقه و آفری دارند. میهمانی‌ها در اندرون برگزار می‌شود» [۳۰، ص ۱۴۶].

با توجه به اینکه زنان سیاح، همچون محارم، اجازه ورود به خانه‌های ایرانیان و صحبت با زنان خانه در اندرونی را داشتند، می‌توانستند اطلاعات ریز و دقیقی نیز از خوی و خصلت و ویژگی‌های زنان ایرانی زمان خود به دست دهند. خانم شیل در کتاب *خاطرات لیدی شیل* درباره تهران و زنان آن می‌نویسد: «در تهران جریان زندگی یکنواخت و بدون تنوع است... زن‌ها هم نمی‌توانند با گشت‌وگذار و خرید در بازار خود را سرگرم نمایند، مگر اینکه کاملاً در پوشش ضخیمی فرو روند تا مبادا نظر دیگران به سوی او جلب شود» [۲۴، ص ۶۳]. این فقط شامل زنان عادی نمی‌شد، بلکه زنان درباری نیز وضعیتی مشابه داشتند. خانم رایس در سفرنامه خود درباره زنان درباری می‌نویسد: «زنان درباری تنها اجازه دید و بازدید با بستگانشان را دارند. هرگز بدون آنکه در کالسکه‌ای محصور و مسدود سوار باشند و خواهه‌سرایبی در جایگاه ویژه کالسکه‌ران همراهی‌شان کند، بیرون نمی‌روند. درحالی‌که کالسکه از درون شهر می‌گذرد، عموماً پنجره‌ها یا پرده‌های آن بسته یا کشیده است» [۳۰، ص ۳۲].

حتی به قول جمالزاده «شعرای ما هم با آنکه سرتاپای دیوان‌های آن‌ها در مدح و ثنای روی دلبر و موی مهوش و قد موزون شاهد است، گاهی حرف‌های خیلی سخت در مورد زنان می‌زنند. مثلاً سعدی در بیتی می‌گوید: چه خوش گفت شاه جهان کیقباد/ که نفرین بد بر زن نیک باد» [۱۴، ص ۱۱]. البته خوارشمردن زنان فقط خاص فرهنگ سنتی ما نبوده و در دیگر فرهنگ‌ها هم کم‌وبیش شایع بوده است. برای مثال، جمالزاده به جمله‌ای از کنفسیوس حکیم چینی اشاره می‌کند که گفته است «در دنیا تنها دو گروه موجودات پست وجود دارند: یکی اشخاص حقیر و فرومایه و دیگری طایفه زنان» [۱۴، ص ۱۱]. این وضعیت زنان ایران در رمان‌هایی که مربوط به این دوره‌اند نیز به‌وضوح به تصویر کشیده شده است. در رمان‌های ایرانی زن با مفاهیمی همچون ماندن، خانه، رکود، و سکون تصویر می‌شود و مرد با مفاهیم تحرک، تغییر، و دنیای خارج از خانه [۳۶، ص ۱۹۸].^۱

برخورد با تمدن غرب و نتایج آن، که عبارت از تغییرات ساخت اقتصادی جامعه، رواج شهرنشینی، و دخالت دولت باشد، در چند دهه اخیر موجب تغییرات عمده‌ای در فرهنگ سنتی ایران و خانواده‌ها و به‌خصوص شکل شهری آن شد. این دگرگونی بیش از همه در روابط زن و مرد و پدران و فرزندان به چشم می‌خورد. روابط زوجین لااقل در محیط‌های شهری شکلی تازه به خود گرفته و زن به‌منزله همدم و همکار مرد پذیرفته شده است.

زنان و فضای عمومی

در متون مربوط به برنامه‌ریزی شهری [۳۸، ص ۱۲؛ ۶۰۲، ص ۴۱؛ ۴۳، ص ۲؛ ۴۲، ص ۳۵؛ ۴۶، ص ۲۵؛ ۳۹، ص ۸]، فضای عمومی، فضایی اجتماعی تعریف می‌شود که برای دسترسی همه مردم، بدون هزینه پولی مستقیم و فارغ از هویت اجتماعی، باز و در دسترس است. با توجه به کارکردهای فضای عمومی به‌منزله وسیله روابط اجتماعی، بحث‌های عمومی و تجلی‌های سیاسی، فضای عمومی فقط مرزی فیزیکی یا مکانی مصنوعی نیست، بلکه فضای عمومی «زمین بازی» جامعه است؛ قلمروی عمومی، زمین بازی است که جامعه به واسطه آن خود را بازسازی می‌کند [۴۰، ص ۶]. فضای شهری عمومی، مکانی کلیدی است که در آن بازیگران مختلف و مؤثر با همدیگر برخورد می‌کنند، بنابراین تبدیل به «روح» شهر می‌شود و زمینه‌های پرورش شخصیت شهر را فراهم می‌آورد [۴۵، ص ۱۵].

با وجود این، با توجه به تعریف فضای عمومی، آنچه از منابع تاریخی برمی‌آید، نشان از این دارد که اصولاً در فرهنگ سنتی ایران چیزی به نام عرصه عمومی به‌منزله شبکه‌ای برای تبادل

۱. نمونه عینی این رکود، خانه، و سکون را می‌توان در «آیدا» (یکی از شخصیت‌های زن رمان) در سمفونی مردگان دید [۳۵].

اطلاعات و دیدگاه‌های گوناگون برای زنان (به‌استثنای مکان‌های خاص مانند حمام‌های عمومی) وجود نداشته است. البته باید اشاره شود که عرصه عمومی در شهرهای اسلامی به‌طور کل و در ایران به‌طور خاص، در تقابل با عرصه‌های خصوصی و دولتی همیشه محدود بوده و اجازه خودنمایی نیافته است. کاستللو «دورساختن زنان از فعالیت‌های اقتصادی و به‌خصوص فعالیت در بازار» [۲۹: ۴۰] را سبب محدود شدن حضور زنان در فضاهای عمومی و در کنار مردان دانسته است. یافته‌های ابولقد نیز در شهرهای مختلط هندو-مسلمان نشان می‌دهد که «نسبت مردان به زنان در خیابان‌ها و مکان‌های عمومی در مناطق مسلمان‌نشین شهرهای هند بیشتر از مناطق هندونشین است» [۳۷: ۸، ص ۷].

یکی از فضاهای مهم زنانه در ایران سنتی برای زنان، حمام‌های عمومی بوده‌اند. «حمام برای بسیاری از زنان مرکز تجمع است تا در آنجا باهم گفت‌وگو و اختلاط کنند و تازه‌ترین رویدادهای شهر را با یکدیگر در میان بگذارند. آن‌ها اغلب نصف روز را در آنجا به سر می‌برند [۹، ص ۲۴۷]. در مرتبه بعدی، باید به تکایا، حسینیه‌ها، قبرستان‌ها، و بازار اشاره کرد. پولاک در سفرنامه‌اش رفتن زنان به امامزاده‌ها را یکی از سرگرمی‌های مورد علاقه آن‌ها می‌داند. البته حضور زنان در این فضاها همراه مردان و با حضور آن‌ها بوده است. حضور زنان در این فضاها منوط به رعایت شرایط خاص بوده است؛ مانند داشتن چادر و روبنده و حضور در ساعاتی که هوا روشن است. زنان در این فضاها باید ناشناس می‌ماندند. لباس زنان برای کوچه و بازار شامل چادر، چاقچور، روبند، و پیچه بود [۲۳، ص ۵۲۴].

در زمینه میزان و نحوه حضور زنان در عرصه عمومی در فرهنگ سنتی باید به جمله‌ای از جمالزاده در کتاب یکی بود یکی نبود اشاره کرد. جمالزاده در این کتاب از زبان یک مستشار خارجی می‌گوید «چیز غریبی که در این مملکت است، این است که گویا اصلاً زن وجود ندارد. تو کوچه‌ها دخترهای کوچک چهار- پنج ساله دیده می‌شود، ولی زن هیچ در میان نیست. من شنیده بودم در دنیا شهر زنان وجود دارد که در آن هیچ مرد نیست، ولی شهر مردان به عمرم نشنیده بودم» [۱۳، ص ۳۱]. اما در طول تاریخ، شکل و کارکرد فضاهای عمومی به واسطه تغییرات اکولوژیکی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی تغییر یافته است. مدرنیته عرصه عمومی را، به‌خصوص در شهرهای جهان توسعه‌نیافته، دگرگون کرده است. یکی از این دگرگونی‌های مهم، حضور گسترده زنان در آن‌هاست. بنابراین، تغییرات در وضعیت زنان و زندگی روزانه‌شان یک عنصر کلیدی شهرنشینی و مدرنیته است [۴۴، ص ۱۲۵].

شایان ذکر است که در نوشته حاضر، در بحث از جایگاه زنان در فرهنگ سنتی، بیشتر دوران قاجار و قبل از آن مدنظر است. درست است که شروع مدرنیزاسیون در ایران از همان دوران است^۱، جامعه در آن زمان جامعه سنتی‌ای بود که تحولات را به‌سختی تحمل می‌کرد؛

۱. بسیاری از محققان، دوره قاجار را شروع جدی برخورد ایران با غرب می‌دانند و آغاز دوران نوسازی در ایران را

به‌خصوص اگر این تحولات مربوط به سبک زندگی زنان باشد. بنابراین، نگاه به زنان نگاهی کاملاً سنتی بود که این نگاه به تدریج از دوران پهلوی‌ها به این‌طرف دگرگون و امروزه دچار دگرگونی‌های اساسی شده است. با وجود این، نمی‌توان مرز دقیقی بین فرهنگ سنتی و فرهنگ جدید، یا زنان سنتی و زنان مدرن قائل شد. چون هم در جامعهٔ امروزی ممکن است زنان و خانواده‌هایی با فرهنگ سنتی وجود داشته باشند و هم در فرهنگ سنتی زنان و خانواده‌هایی بودند که بسیار جلوتر از زمان خود (البته منظور زمان مکانی خود) رفتار می‌کردند. ضمن اینکه مرزهای سنتی و مدرن بودن هم برای افراد مختلف و خانواده‌های مختلف ممکن است متفاوت باشد. ولی می‌توان دوران رضاشاه و اقدامات مربوط به آن را دوران جدیدی برای زنان (البته بیشتر زنان طبقات مرفه و درباری در وهلهٔ اول و شهرهای بزرگ که تحت‌تأثیر تحولات مدرنیستی بودند در وهلهٔ دوم) تلقی کرد. این تحول نگاه به زنان بعد از انقلاب شکل‌های جدیدتری به خود گرفته؛ به طوری که امروزه دیگر به جرئت می‌توان ادعا کرد که حتی در شهرهای کوچک و روستاها نیز (البته با شدت و ضعف‌هایی) نگاه به زنان و حضور زنان در عرصهٔ عمومی دچار تحولات عمیقی شده است. بنابراین باید این فرهنگ جدید را و زنان این فرهنگ را از فرهنگ سنتی جدا کرد.

در اینجا منظور از بررسی زنان سنتی، بیشتر به حضور آن‌ها و جایگاه آن‌ها در عرصهٔ عمومی برمی‌گردد و فقط از این بعد است که به زنان سنتی و مدرن پرداخته شده است. گاهی بسیاری از این حضورها در عرصهٔ عمومی، در جامعهٔ امروزی، اجتناب‌ناپذیر است (مثل تحصیل و کار کردن زنان). بنابراین، بدیهی است که حضور زنان در عرصهٔ عمومی تشدید شده و در بعضی فضاها (مانند پاساژها) حتی بیشتر از مردان است. اما در اینجا حضور انتخابی زنان در عرصهٔ عمومی تأیید می‌شود. مدرنیته و تحولات آن به خروج زنان از اندرونی به بیرونی، به صورت گسترده، منجر شده است که در بسیاری از موارد حالت ضروری دارد؛ یعنی بنا بر ضرورت‌هایی مانند کار، خرید، یا تحصیل است. اما آیا حضور زنان در عرصه‌های عمومی خاص (مانند پارک‌ها)، حالت انتخابی دارد و به دلیل دگرگونی در ارزش‌های سنتی است؟ یا نه این حضور اجتناب‌ناپذیر و نگاه‌ها همان نگاه سنتی است. در این مقاله، به همین موضوع پرداخته می‌شود.

روش تحقیق و منطقهٔ مطالعه شده

روش تحقیق به لحاظ هدف، توسعه‌ای و به لحاظ ماهیت تحقیق، توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی است. برای گردآوری اطلاعات از روش پیمایشی پرسشنامه استفاده شد. نمونه آماری شامل ۱۲۸ مرد و ۱۳۳ زن شهروند تبریز است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی

بررسی شدند. پرسشنامه‌ها طی دو هفته حضور در پارک‌ها، در شهریور ۱۳۹۱، تکمیل شد. برای توزیع پرسشنامه‌ها دو پارک ائل‌گلی (شاه‌گلی) و خاقانی انتخاب شدند. ائل‌گلی یکی از گردشگاه‌های مهم شهر تبریز است که در جنوب شرق آن و در هفت کیلومتری مرکز شهر واقع شده است. این پارک، با مساحتی حدود ۱۶۰ هزار متر مربع، در منطقه ۲ شهرداری تبریز قرار دارد. این مکان در زمان آق‌قویونلوها ایجاد شده و در دوره صفویان گسترش یافته است [۱۸].

پارک خاقانی، که نام یکی از مشاهیر شعر ایران و آذربایجان- خاقانی شروانی- است، در یک زون فرهنگی بین مسجد کبود و موزه آذربایجان قرار گرفته است. انتخاب این دو پارک به دلیل عملکرد متفاوت آن‌هاست. پارک ائل‌گلی عملکرد شهری و حتی فراشهری دارد که پذیرای افراد زیادی از همه نقات شهر، استان، و حتی خارج از استان است. اما پارک خاقانی عملکرد منطقه‌ای دارد و بیشتر پذیرای افراد فرهیخته و علاقه‌مند به علم و ادب است که از موزه آذربایجان، مسجد کبود، و دیگر نقاط تاریخی منطقه دیدن می‌کنند.

یافته‌های پژوهش

فضاهای عمومی فضایی برای جوانان

جدول ۱ ویژگی‌های جامعه آماری را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول دیده می‌شود، بیشتر از ۸۰ درصد مردان استفاده‌کننده از فضاهای عمومی مجردند؛ این در صورتی است که حدود ۴۹ درصد زنان استفاده‌کننده مجردند. این امر گویای واقعیتی است که مردان جوان مجرد بیشتر از زنان جوان مجرد آزادی عمل و استقلال دارند. در فرهنگ سنتی ایرانی، حضور مردان مجرد در فضاهای عمومی، به‌تنهایی، امر نکوهیده‌ای نیست، ولی بسیاری از خانواده‌های سنتی با حضور دختر مجرد در فضاهای عمومی به‌تنهایی یا حتی با دوستان خود موافق نیستند. شاید برای همین است که حدود ۳۸ درصد زنان استفاده‌کننده از پارک‌ها بچه‌دارند. با توجه به جدول ۱، که نشان‌دهنده ۴ شاخص از ویژگی‌های استفاده‌کنندگان از فضاهای عمومی است، نتایج زیر حاصل می‌شود:

- بیشتر استفاده‌کنندگان از پارک، در هر دو گروه مردان و زنان، کمتر از ۳۰ سال دارند؛ با این تفاوت که تعداد مردان کمتر از ۳۰ سال خیلی بیشتر از زنان کمتر از ۳۰ سال است. بنابراین، فضاهای عمومی، مانند پارک‌ها، جولانگاهی برای جوانان است. حدود ۲۰ درصد از زنان استفاده‌کننده بیشتر از ۵۰ سال دارند، درحالی‌که این عدد برای مردان، نزدیک ۵ درصد است. بنابراین، گروه سنی جوانان (هم مردان و هم زنان) بیشترین استفاده و بیشترین حضور را در عرصه پارک‌ها دارند.

متغیر	شاخص	درصد مردان	درصد زنان
سن	زیر ۲۰ سال	۱۶,۴	۱۵
	۲۹ - ۲۹	۶۷,۲	۴۲,۹
	۳۰ - ۳۹	۵,۵	۱۴,۳
	۴۰ - ۴۹	۰,۸	۸,۳
	۵۰ - ۵۹	۰,۸	۱۳,۵
	بالای ۶۰ سال	۴,۷	۶
	جواب‌نداده	۴,۷	-
وضعیت تأهل	مجرد	۸۰,۵	۴۸,۹
	ازدواج کرده دارای بچه	۹,۴	۳۴,۶
	ازدواج کرده بدون بچه	۳,۹	۹,۸
	طلایی گرفته	۱,۶	۱,۵
	جواب‌نداده	۴,۷	۲,۳
تحصیلات	بی‌سواد	۱,۶	۲,۳
	ابتدایی	۱,۶	۲,۳
	دبیرستان	۲,۳	۱۴,۳
	دیپلم	۴۶,۱	۳۴,۶
	لیسانس	۳۳,۶	۳۵,۳
	فوق لیسانس و دکتری	۸,۶	۹,۸
	جواب‌نداده	۶,۲	۱,۵
شغل	شاغل دارای تحصیلات	۳۸,۳	۲۷,۸
	بیکار دارای تحصیلات	۳۹,۱	۵۰,۴
	شاغل بدون تحصیلات	۱۰,۲	۴,۵
	بیکار بدون تحصیلات	۴,۷	۱۵
	جواب‌نداده	۷,۸	۲,۳

جدول ۱. ویژگی‌های جامعه آماری تحقیق

- بیشتر استفاده‌کنندگان از پارک‌ها، در هر دو گروه مردان و زنان، مجردند؛ با این تفاوت که این تعداد برای مردان ۸۰ درصد و برای زنان حدود ۴۹ درصد است. از نظر خانواده‌های سنتی، حضور زنان مجرد در فضاهای عمومی پسندیده نیست؛ این طرز تفکر، به مرور و به‌خصوص در شهرهای بزرگ، کم‌رنگ شده است، ولی هنوز هم در بعضی خانواده‌ها تفکرات این‌چنینی وجود دارد.

- غالب استفاده‌کنندگان، در هر دو گروه مردان و زنان، باسوادند و دیپلم یا لیسانس دارند، که البته با توجه به جوان‌بودن جمعیت استفاده‌کننده، چندان دور از ذهن نیست. حدود

۵۰ درصد زنان استفاده‌کننده از پارک، بیکارِ تحصیل‌کرده‌اند که این میزان برای مردان حدود ۴۰ درصد است.

چهار نکته مهم و برجسته در این جدول سهم زیاد جوانان به سالخوردگان در پارک‌ها، مجردان به متأهل‌ها، بیکاران به شاغلان و باسوادان به بی‌سوادان است. پارک‌های شهری فقط مکانی برای گذران اوقات بازنشسته‌ها و افراد سالخورده نیست. جوانان سهم بیشتری از این فضاها را به خود اختصاص داده‌اند و برای اهداف مختلف (ورزش، تفریح، پرسه‌زنی، دوست‌یابی، ...) از آن استفاده می‌کنند.

مردان و زنان مجرد، آزادی عمل و وقت بیشتری برای حضور در پارک‌ها دارند. هرچند سهم مردان در این میان خیلی بیشتر از زنان است و افراد بیکار (هم مردان و زنان) وقت آزاد بیشتری برای حضور و استفاده از پارک‌ها دارند و درصد بیشتری از این عده را به خود اختصاص می‌دهند، این‌طور نیست که پارک‌ها صرفاً فضایی برای بیکاران و پرسه‌زن‌های بی‌هدفی باشد که از سر بیکاری و برای شب‌کردن روز به پارک بروند. گروه شاغلان هم سهم به‌نسبت زیادی از این عده را به خود اختصاص می‌دهند که برای هدف‌های برنامه‌ریزی‌شده مختلف از پارک استفاده می‌کنند.

نحوه استفاده از فضای عمومی

در جدول ۲، شش شاخص در زمینه نحوه استفاده از پارک از سوی دو گروه مردان و زنان بررسی شده است. شاخص‌ها عبارت‌اند از: دفعات استفاده از پارک در طول هفته، نحوه رفتن به پارک (با همراه یا بدون همراه)، ساعات استفاده از پارک، میزان استفاده از پارک در شب‌ها، دلایل استفاده نکردن از پارک در شب‌ها، و عوامل مهم در محدودیت زنان برای استفاده از فضاهای عمومی.

امروزه، بیشتر فضاهای شهری ماهیتی جنسی‌شده یافته‌اند؛ یعنی عملاً فضای شهری در برابر تحرک آزادانه زنان اعمال محدودیت می‌کند. به نظر بسیاری از محققان [۱۲؛ ۳۳]، محدودیت‌ها و حصارهای فرهنگی ایجادشده برای زنان در فضای اجتماعی و عرصه‌های عمومی موجب شده آن‌ها نتوانند به خوبی از موقعیت خود بهره ببرند و مجبور شدند خود را همچون عنصری غیرلازم از صورت مسئله فضاهای شهری و عرصه‌های عمومی حذف کنند و منکر نیازهای خود در جایگاه یک زن شوند. هرچند این روند در حال کندشدن است، رفتار شهری و نحوه حضور زنان در شهر مؤید آن است که وجود غیر مرد، هنوز در جامعه ایران به راحتی پذیرفتنی نیست. پرسش ۱ در جدول ۲ تا حدودی نشان‌دهنده مردانه‌بودن فضاهای عمومی در شهر تبریز است. بیشتر از ۵۲ درصد زنان «به صورت اتفاقی و هرچند هفته یک بار» از پارک

استفاده می‌کنند. این میزان برای مردان ۲۱ درصد است. بیشتر از ۳۵ درصد مردان بیشتر از سه بار در هفته از پارک‌ها استفاده می‌کنند؛ ولی این میزان برای زنان حدود ۱۳ درصد است. زنان به دلیل مسائل فرهنگی یا احساس ناامنی (که در ادامه درباره آن بحث خواهد شد)، ساعات محدودتری را می‌توانند در بیرون از خانه سپری کنند و همین، یکی از محدودیت‌های جدی فعالیت اجتماعی و حضور آن‌ها در فضاهای شهری است. زنان علاوه بر مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود، در چارچوب مسئولیت‌های خانوادگی اغلب مسئولیت مراقبت از کودکان، حمایت از آن‌ها در ورود به اجتماع، و فعالیت‌های روزمره‌شان را نیز عهده‌دارند. این مسئولیت، محدودیت زیادی برای فعالیت و حضور زنان در اجتماع به دنبال دارد، سرعت حرکت آن‌ها را کند و دایره حرکتشان را کوچک می‌کند، و از نظر زمانی نیز محدودیت‌های زیادی بر آن‌ها تحمیل می‌کند.

جدول ۲. شاخص‌های نشان‌دهنده نحوه استفاده از فضای عمومی

متغیر	شاخص	درصد مردان	درصد زنان
۱. شما در هفته چند بار از فضاهای عمومی (پارک) استفاده می‌کنید؟	الف) یک بار در هفته	۲۱٫۹	۲۰٫۳
	ب) دو بار در هفته	۱۳٫۳	۹
	پ) سه بار در هفته	۷٫۸	۴٫۵
	ت) بیشتر از سه بار در هفته	۳۵٫۲	۱۳٫۵
	ث) به صورت اتفاقی و در چند هفته یک بار ممکن است استفاده کنم.	۲۱٫۲	۵۲٫۶
	جواب نداده	۰٫۸	-
۲. حضور شما در فضاهای عمومی (پارک) به چه صورت است؟	الف) حضور به همراه (خانواده مانند پدر، شوهر یا برادر)	۱۴٫۱	۵۹٫۴
	ب) حضور با همراه (دوستان و همکاران و...)	۷۳٫۴	۳۶٫۱
	پ) حضور بدون همراه	۱۰٫۲	۴٫۵
	جواب نداده	۲٫۳	-
۳. شما چه ساعاتی از شبانه‌روز از فضاهای عمومی (پارک) استفاده می‌کنید؟	۶-۱۰	۹٫۴	۲۴٫۱
	۱۰-۱۲	۲۳٫۴	۱۵
	۱۴-۱۸	۷	۱۰٫۵
	۱۸-۲۲	۴۰٫۷	۴۵٫۱

۴،۵	۱۰،۲	بعد از ۲۲	
۰،۸	۹،۴	جواب نداده	
۶۵،۹	۶۹،۵	بلی	۴. آیا شب‌ها هم از فضاهای عمومی (پارک) استفاده می‌کنید؟
۳۴،۱	۲۶،۶	خیر	
-	۳،۹	جواب‌نداده	
۵۳،۹	۵۰	الف) به دلیل مسئله امنیت در شب‌ها	۵. اگر جواب شما خیر است، دلیل بیرون نرفتن شما در شب جهت استفاده از فضای عمومی چیست؟
۱۹،۱	-	ب) به دلیل ممانعت خانواده	
۱۹،۱	۲۷،۶	پ) به دلیل مسائل عرفی و فرهنگی	
۷،۹	۲۲،۴	ت) سایر موارد	
-	-	جواب‌نداده	
۱۷،۳	۲۲،۷	الف) مسائل فرهنگی و عرفی	۶. مهم‌ترین دلیل محدودیت حضور زنان امروزی در فضاهای عمومی را در چه مسائلی می‌دانید؟
۳۶،۱	۲۶،۶	ب) احساس ناامنی	
۲۱،۸	۲۰،۳	پ) وجود قوانین دست و پاگیر	
۲۰،۳	۱۸،۸	ت) بدبینی خانواده‌ها به حضور زنان در فضاهای عمومی	
۰،۸	۷	ث) سایر موارد:	
۳،۸	۴،۷	جواب نداده	

نتایج پرسش ۲ در جدول ۲، گویای پسرسالاری در جامعه ایرانی و استقلال بیشتر آن‌ها در مقایسه با زنان است. نزدیک ۶۰ درصد زنان عنوان کرده‌اند که به همراه خانواده از پارک استفاده می‌کنند. این میزان برای مردان فقط ۱۴ درصد است. فقط ۴،۵ درصد از زنان به تنهایی در پارک‌ها حضور پیدا می‌کنند. این میزان برای مردان بیشتر از ۱۰ درصد است. البته حدود ۷۳ درصد مردان نیز اذعان داشتند که به همراه دوستان از پارک استفاده می‌کنند. این عدد برای زنان ۳۶ درصد است. به عبارت دیگر، هر دو گروه به صورت گروهی از فضا استفاده می‌کنند؛ با این تفاوت که در گروه مردان، دوستان آن‌ها سهم زیادی دارند و در گروه زنان خانواده‌هایشان.

با توجه به اینکه برداشت‌های میدانی در تابستان (شهریورماه) انجام شد، در این ماه به دلیل گرمای هوا و نیز طولانی بودن روز، استفاده‌کنندگان بیشتر بعد از غروب آفتاب در پارک‌ها حضور پیدا می‌کنند و ساعات‌های زیادی هم می‌توانند در پارک حضور داشته باشند. بنابراین،

بیشتر استفاده‌کنندگان از پارک، برای هر دو گروه مردان و زنان، بازه‌ی ساعتی ۱۸ تا ۲۲ را انتخاب می‌کنند. بعد از این ساعت، برای زنان ساعت ۶ تا ۱۰ و برای مردان ۱۰ تا ۱۴ مطلوب‌ترین زمان برای استفاده از پارک است.

بنابراین، در طول روز سه بازه‌ی ساعتی برای استفاده از پارک تفکیک‌پذیر است. بازه‌ی ۱۸ تا ۲۲ شب که عمده‌ترین بازه برای هر دو گروه است. دلیل اصلی آن بی‌شک خنکی هوا، غروب آفتاب، فراغت از کار و مدرسه و دانشگاه، و... برای هر دو گروه است. در مرتبه بعد، بازه‌ی ۶ تا ۱۰ قرار دارد که در اختیار زنان است. دلیل ترجیح این مدت از طول روز برای زنان، به احتمال زیاد، خلوت‌بودن پارک و انجام‌دادن ورزش صبحگاهی به همراه خانواده است. اما بازه‌ی سوم برای مردان و بین ساعت ۱۰ تا ۱۴ است که بیشتر به علت استراحت بین کاری، توقف‌های اجباری (سر راه محل کار یا منزل، دانشگاه، و...) و حضور بیشتر آن‌ها در عرصه‌ی عمومی است. هر دو گروه مردان و زنان اذعان کرده‌اند که شب‌ها هم از پارک استفاده می‌کنند. بااینکه این میزان برای مردها تا حدودی بیشتر از زنان است (۶۹/۵ درصد برای مردان در مقابل ۶۵/۹ درصد برای زنان)، تفاوت زیادی بین دو گروه دیده نمی‌شود. البته باید توجه کرد که بیشتر زنان در پارک تنها نیستند و به همراه خانواده یا دوستان حضور دارند.

اما از کسانی که شب‌ها از پارک استفاده نمی‌کنند، چرایی این مسئله پرسیده شد. حدود ۵۰ درصد مردان و ۵۴ درصد زنان ناامنی را دلیل اصلی استفاده‌نکردن از پارک در شب‌ها عنوان کرده‌اند (البته باید توجه داشت که نزدیک ۷۰ درصد نمونه‌ی آماری مردان و ۶۶ درصد زنان، شب‌ها هم از پارک استفاده می‌کنند. بنابراین ۵۰ درصد کسانی که شب‌ها به پارک نمی‌روند، دلیل خود برای نرفتن را مسائل امنیتی می‌دانند). در این بین، برای زنان شاخص‌هایی مانند ممانعت خانواده (۱۹/۱ درصد) و مسائل عرفی و فرهنگی (۱۹/۱ درصد) هم مهم‌اند. برای مردها چیزی به نام ممانعت خانواده اهمیت ندارد، ولی مسائل عرفی و فرهنگی مهم‌اند. به عبارت دیگر، در فرهنگ سنتی، حضور در عرصه‌های عمومی، تا دیروقت، نه تنها برای زنان در حد یک تابو است، بلکه برای مردان هم کار پسندیده‌ای نیست.

مهم‌ترین دلیل برای محدودیت حضور زنانِ امروزی در فضاهای عمومی، از دیدگاه هر دو گروه، ناامنی در چنین فضاهایی است. در این زمینه، دغدغه‌ی زنان (با ۳۶ درصد) بیشتر از مردان (با ۲۶ درصد) است. البته باید اشاره کرد که عوامل دیگر هم از دیدگاه هر دو گروه پراهمیت است. از دیدگاه زنان قوانین دست‌وپاگیر، ممانعت خانواده‌ها، و مسائل عرفی و فرهنگی در اولویت‌های بعدی مشکلات قرار دارد.

یکی از راه‌حلهایی که برای افزایش حضور زنان در فضاهای عمومی و کاهش احساس ناامنی آن‌ها به کار می‌رود، تفکیک جنسیتی فضاهای عمومی است. ایجاد فضاهای مخصوص زنان (مانند پارک بانوان) مخصوص کشور ما نیست، بلکه در کشورهای مختلفی انجام شده و در

اساس نمی‌تواند بدان ایراد گرفت. اما مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که آیا تفکیک جنسیتی فضاهای عمومی و تبدیل آن‌ها به فضایی نیمه‌عمومی - خصوصی به دلیل پاسخگونی بودن فضاهای عمومی به نیازهای روزمره زنان است؟ در این شرایط، در جامعه‌ای که فضاهای عمومی آن پاسخگوی نیازهای عادی زنان نباشد، در پیش گرفتن چنین راه‌حلی رسیدن به راه چاره درست و منطقی را دشوارتر می‌کند و ممکن است زنان را از مطالبه حقوق برحق خود در زمینه استفاده از فضاهای عمومی بازدارد. بنابراین اینکه تا چه حد و در چه مواردی این جداسازی سازنده یا مخرب خواهد بود سؤال برانگیز است. بیشتر از ۷۲ درصد مردان و ۵۵ درصد زنان نمونه‌گیری شده، مخالف تفکیک جنسیتی فضاهای عمومی هستند. بنابراین، شدت مخالفت زنان با تفکیک فضاهای عمومی کمتر از مردان است. این مسئله را از دو بعد می‌توان بررسی کرد. اول اینکه زنان در فضاهای عمومی مانند پارک، به دلیل نوع پوشش، استیلاهای جنس مذکر، احساس ناامنی، و... احساس راحتی نمی‌کنند. بنابراین، فضاهای دلخواه خود را که در آنها احساس راحتی می‌کنند، به پیامدهای بلندمدت وجود چنین فضاهایی ترجیح می‌دهند. دوم اینکه خیلی از زنان، تفکیک جنسیتی فضاهای عمومی را نوعی راهبرد برای مطالبه حق خود از شهرسازی مردانه و مردان می‌دانند.

دیدگاه زنان و مردان به حضور زنان در فضاهای عمومی

محدودیت‌های حضور زنان در فضاهای عمومی

در این قسمت، با استفاده از طیف‌بندی لیکرت و ایجاد ۱۴ گویه، دیدگاه زنان و مردان به حضور زنان در فضاهای عمومی و پارک‌های شهری سنجیده شده است. نتایج این ارزیابی در جدول ۳ نشان داده شده است. شایان ذکر است که بعضی گویه‌ها مختص پرسشنامه زنان، بعضی مختص مردان، و بقیه مشترک برای هر دو گروه است.

در دو گویه ۱ و ۲، مهم‌ترین محدودیت‌های زنان برای حضور در فضاهای عمومی سنجیده شده است. نقش‌های سنتی زنان در خانه (مانند نگهداری از بچه‌ها، آشپزی، و...) یکی از دلایل اصلی محدودیت حضور زنان در عرصه عمومی است. با تغییر جوامع سنتی به مدرن، رشد شهرنشینی به‌عنوان الگوی غالب سکونت، بالارفتن تحصیلات دانشگاهی زنان و به تبع آن اشتغال زنان، امکان حضور زنان در عرصه عمومی بیشتر فراهم شده است. ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد که این تحولات هم باعث تغییرات زیادی در وظایف زنان (منظور وظایفی که به صورت عرفی و سنتی برعهده زنان است) زنان نشده است.

جدول ۳. دیدگاه زنان و مردان به حضور زنان در فضاهای عمومی شهری و پارک‌ها

متغیر	شاخص	درصد مردان	درصد زنان
۱. یکی از دلایل اصلی حضور محدودتر زنان در فضاهای عمومی مسؤلیت‌های خانوادگی آن‌ها مانند مراقبت از کودکان، حمایت از آن‌ها، و برعهده گرفتن فعالیت روزمره کودکان و نیز مسائل دیگری مانند آشپزی است.	کاملاً موافقم	۱۲٫۵	۲۳٫۵
	موافقم	۳۹٫۱	۴۵٫۱
	نظری ندارم	۱۹٫۵	۱۰٫۵
	مخالفم	۱۴٫۸	۱۳٫۵
	کاملاً مخالفم	۳٫۹	۶
۲. یکی از دلایل اصلی استفاده نکردن زنان از فضاهای عمومی نبود امکانات مناسب برای زنان مانند زمین بازی، امکانات ورزشی، و... در چنین فضاهایی است.	جواب نداده	۱۰٫۲	۱٫۵
	کاملاً موافقم	۲۷٫۳	۴۵٫۱
	موافقم	۳۸٫۳	۳۷٫۶
	نظری ندارم	۱۶٫۴	۶
	مخالفم	۷	۸٫۳
۳. حضور به‌تنهایی در فضاهای عمومی مانند پارک در خانواده‌ی ما یک عادت زشت و نکوهیده است.	کاملاً موافقم	۱۷٫۲	۱۱٫۳
	موافقم	۱۳٫۳	۱۶٫۵
	نظری ندارم	۱۶٫۴	۲۳٫۳
	مخالفم	۲۳٫۴	۳۰٫۸
	کاملاً مخالفم	۲۱٫۱	۱۵
۴. در عرف و فرهنگ ما زنان نباید به‌تنهایی و بدون اجازه خانواده به پارک بروند.	جواب نداده	۸٫۶	۳
	کاملاً موافقم	۲۵	۱۰٫۵
	موافقم	۱۸	۲۱٫۸
	نظری ندارم	۹٫۴	۱۳٫۵
	مخالفم	۱۸	۲۸٫۶
۵. تردد در نقاط دیگر شهر فقط زمانی برای من مجاز است که با حضور مرد خانواده صورت بگیرد یا دلیل مهمی برای آن وجود داشته باشد.	کاملاً موافقم	۱۸٫۸	۱۴٫۳
	موافقم	۲۰٫۳	۲۱٫۱
	نظری ندارم	۱۰٫۹	۱۳٫۵
	مخالفم	۲۱٫۹	۲۹٫۳
	کاملاً مخالفم	۱۸	۱۹٫۵

۲,۳	۱۰,۲	جواب نداده	
۱۶,۵		کاملاً موافقم	۶. تفریحات من به عنوان یک زن به شرکت در مراسم و اعیاد مذهبی و وقت‌گذرانی با همسایه‌ها و دوستان و اقوام در خانه‌ها یا تفریحاتی با حضور بقیه افراد خانواده خلاصه می‌شود (برای زنان).
۱۷,۳		موافقم	
۱۰,۵		نظری ندارم	
۲۵,۶		مخالفم	
۲۷,۸		کاملاً مخالفم	
۲,۳		جواب نداده	
۱۵,۸		کاملاً موافقم	۷. هر وقت احساس کنم نیاز دارم به فضاهای عمومی بروم این کار را انجام می‌دهم و نیازی به اجازه گرفتن ندارم (برای زنان).
۲۸,۶		موافقم	
۲۱,۱		نظری ندارم	
۲۳,۳		مخالفم	
۹,۸		کاملاً مخالفم	
۱,۵		جواب نداده	
۶۳,۲	۳۹,۸	کاملاً موافقم	۸. در شرایط امروز نقش زنان فقط آشپزی و مراقبت از کودکان نیست، بلکه آن‌ها می‌توانند در عرصه عمومی و فعالیت‌های اجتماعی حضور فعالی داشته باشند.
۲۷,۸	۲۷,۳	موافقم	
۵,۳	۱۰,۹	نظری ندارم	
۲,۳	۸,۶	مخالفم	
۰,۸	۳,۱	کاملاً مخالفم	
۰,۸	۱۰,۲	جواب نداده	
۲۷,۱		کاملاً موافقم	۹. مشکل اصلی برای حضور من در فضاهای عمومی، مانند پارک، نگاه آزاردهنده مردمی است که در چنین فضاهایی به من خیره می‌شوند (برای زنان).
۳۰,۱		موافقم	
۱۴,۳		نظری ندارم	
۱۵,۸		مخالفم	
۱۱,۳		کاملاً مخالفم	
۱,۵		جواب نداده	
۲۷,۱		کاملاً موافقم	۱۰. مشکل اصلی من برای رفتن به فضاهای عمومی مانند پارک این است که اصولاً در چنین فضاهایی هیچ تحرکی جز قدم‌زدن و نشستن نمی‌توانم داشته باشم. و این کار را در هر جای دیگری هم می‌توانم انجام بدهم (برای زنان).
۴۲,۱		موافقم	
۱۰,۵		نظری ندارم	
۱۵		مخالفم	
۲,۳		کاملاً مخالفم	
۳		جواب نداده	

۶,۸	کاملاً موافقم	۱۱. دلیل اصلی من برای حضور پیدا نکردن در فضاهایی مانند پارک ممانعت خانواده و مخالفت آن‌هاست (برای زنان).
۱۱,۳	موافقم	
۱۷,۳	نظری ندارم	
۴۲,۹	مخالقم	
۱۹,۵	کاملاً مخالفم	
۲,۳	جواب نداده	
۳۱,۶	کاملاً موافقم	۱۲. خانواده من مشکلی با رفتن من به بیرون و استفاده از فضاهای عمومی مانند پارک ندارند، ولی خودم به‌تنهایی در چنین فضاهایی احساس راحتی و آرامش نمی‌کنم (برای زنان).
۳۷,۶	موافقم	
۹	نظری ندارم	
۱۱,۳	مخالقم	
۹,۸	کاملاً مخالفم	
۰,۸	جواب نداده	
۲۱,۱	کاملاً موافقم	۱۳. از دیدگاه من رفتن خانواده‌ام به فضاهای عمومی (پارک) مانعی ندارد و نیازی به گرفتن اجازه از من ندارند (برای مردان).
۲۴,۲	موافقم	
۱۰,۹	نظری ندارم	
۲۷,۳	مخالقم	
۶,۲	کاملاً مخالفم	
۱۰,۲	جواب نداده	
۲۰,۳	کاملاً موافقم	۱۴. دلیل اصلی زنان برای حضور نیافتن در فضاهایی مانند پارک ممانعت خانواده و مخالفت آن‌هاست (برای مردان).
۲۸,۹	موافقم	
۲۱,۱	نظری ندارم	
۱۴,۱	مخالقم	
۵,۵	کاملاً مخالفم	
۱۰,۲	جواب نداده	

در گویه دیگری (گویه ۲)، بالای ۸۲ درصد زنان موافق کمبود امکانات مناسب برای زنان در فضاهای عمومی و معتقدند که این یکی دیگر از دلایل حضور نداشتن زنان در فضاهای عمومی است. حدود ۶۵ درصد مردان هم موافق کمبود امکانات مناسب برای حضور زنان در فضاهای عمومی هستند. به عبارت دیگر، هم مردان و هم زنان موافق‌اند که به لحاظ تاریخی شهرها را مردان می‌سازند و اداره می‌کنند [ص ۳۳، ۱۲۴]. ماهیت جنسی‌شده فضاهای عمومی انواع محدودیت‌ها را برای حضور زنان در فضاهای عمومی فراهم کرده است. یکی از این محدودیت‌های اساسی ساختارهای فیزیکی هستند. اگر مدرنیته در جوامع سنتی

محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان برای حضور در فضاهای عمومی را کاهش داده است، در عوض باعث رشد و گسترش محدودیت‌های فیزیکی (محدود کردن تحرک فیزیکی زنان) و ساختاری (برای مثال رشد و گسترش حومه‌نشینی، جدایی محل کار و خرید و تفریح از خانه) شده است.

گویه دیگری در این زمینه (گویه ۱۰)، که مختص زنان بوده است، نشان می‌دهد زنان نبود تحرک لازم در پارک‌ها را نیز یکی از مشکلات خود برای حضور می‌دانند. حدود ۶۹٫۲ درصد زنان موافق این گویه‌اند که «مشکل اصلی من برای رفتن به فضاهای عمومی مانند پارک این است که اصولاً من نمی‌توانم در چنین فضاهایی هیچ تحرکی جز قدم‌زدن و نشستن داشته باشم و این کار را هر جای دیگری می‌توانم انجام بدهم». فقط ۱۷٫۳ درصد زنان مخالف این گویه بودند. در نتیجه، به علت اینکه زنان در فضاهای عمومی، مانند پارک، اجازه انجام دادن خیلی از فعالیت‌ها مانند دوچرخه‌سواری، ورزش، و... را ندارند یا برای انجام دادن آن‌ها راحت نیستند، بسیاری از زنان ترجیح می‌دهند از پارک‌ها استفاده نکنند.

در گویه دیگری (گویه ۹)، ۵۷٫۲ درصد زنان بیان کرده‌اند که مشکل اصلی آن‌ها برای حضور در فضاهای عمومی، مانند پارک، نگاه آزاردهنده مردان است که در چنین فضاهایی به آن‌ها خیره می‌شوند. حدود ۲۷٫۱ درصد زنان نیز مخالف این گویه بودند. احساس ناراحتی در فضاهایی که عمومی ولی در تسلط مردان است و نگاه خیره و گاه آزاردهنده آن‌ها به جنس مخالف، یکی از معضلات فرهنگی است که در جامعه به‌فراوانی به چشم می‌خورد.

دیدگاه دو گروه به حضور زنان در فضای عمومی

در این قسمت، از سه گویه مشترک برای زنان و مردان، برای سنجش دیدگاه آن‌ها به حضور زنان در فضای عمومی استفاده شده است. در گویه سوم با عنوان «در خانواده ما حضور زنان به تنهایی در فضاهای عمومی، مانند پارک، زشت و ناپسند است»، به یکی از رسوم دیرینه فرهنگ سنتی ایرانی اشاره شده است. به لحاظ تاریخی، جایگاه اصلی زن ایرانی در اندرونی است. زندگی خارج از خانه و محله، زندگی «بیرونی» تلقی می‌شد و غیرمجاز. بنابراین، فعالیت‌ها و تفریحات آن‌ها نیز به کارهای خانگی یا تفریحات سنتی محدود می‌شد. تردد در نقاط دیگر شهر فقط زمانی مجاز بود که یا با حضور مرد خانواده انجام شود یا دلیل محکمی برای آن وجود داشته باشد. بنابراین، در طول تاریخ، زن ایرانی به لحاظ اجتماعی منزوی و حضور او در عرصه عمومی بسیار محدود بوده است. اما نتایج این بررسی نشان می‌دهد که این وضعیت، بر اثر تحولات صورت گرفته در دهه‌های اخیر، به خصوص در شهرهای بزرگ، تضعیف شده است. درست است که ۳۰٫۵ درصد مردان و ۲۷٫۸ درصد زنان موافق این گویه بودند، در مقابل، ۴۴٫۵ درصد مردان و ۴۵٫۸ درصد زنان نیز مخالف آن‌اند. در گویه بعدی (گویه ۴)، از

خانواده وارد محیط اجتماع و شهر می‌شویم. «زنان در فرهنگ و عرف جامعه ما نباید به‌تنهایی و بدون اجازه خانواده به پارک بروند.» حدود ۴۳ درصد مردان و ۳۲/۳ درصد زنان موافق این گویه بودند. در مقابل، ۳۸/۸ درصد مردان و ۴۹/۷ درصد زنان مخالف آن‌اند.

درست است که در هر دو گویه تعداد مخالفان بیشتر از موافقان است، هنوز هم در بسیاری از خانواده‌ها و در عرف و فرهنگ جامعه ایرانی حضور زنان به‌تنهایی و بدون مرد همراه و خانواده در عرصه عمومی و پارک‌های شهری خیلی پذیرفتنی نیست. گویه پنجم هم همین مسئله را تأیید می‌کند. «تردد زنان در سطح شهر فقط زمانی پذیرفتنی است که با اجازه مرد خانواده و برای دلیل خاصی (مانند خرید) صورت گرفته باشد.» حدود ۳۹/۱ درصد مردان و ۳۵/۴ درصد زنان موافق این گویه‌اند. در مقابل، ۳۹/۹ درصد مردان و ۴۸/۸ درصد زنان نیز مخالف بودند. نکته درخور تأمل در این سه گویه، موافقت کمتر زنان با گویه‌ها و مخالفت بیشتر آن‌ها در مقایسه با مردان است. به عبارت دیگر، بعضی از زنان حتی اگر موافق حضور اجتماعی جدی در عرصه عمومی باشند، با مشکلی به نام دیدگاه منفی بعضی از مردان مواجه‌اند.

حضور زنان در فرهنگ سنتی ایران به اماکنی نظیر تکایا، مراسم تعزیه، حمام عمومی، زیارتگاه‌ها و منازل دوستان و اقوام محدود است که فضاهای مردانه و زنانه در آنها به‌طور کامل مجزاست. در گویه ۶ به این موضوع پرداخته شده است. «تفریحات من در جایگاه یک زن، به شرکت در مراسم و اعیاد مذهبی یا وقت‌گذرانی با همسایه‌ها و دوستان و اقوام در خانه‌ها یا تفریحاتی با حضور بقیه افراد خانواده خلاصه می‌شود.» این گویه مختص زنان است که ۳۳/۸ درصد نیز با آن موافق بودند. در مقابل، ۵۳/۴ درصد زنان مخالفت خود با این گویه را اعلام کردند. ملاحظه می‌شود که هنوز هم حضور بسیاری از زنان در عرصه عمومی به مراسم تعزیه و مذهبی، یا حضور در فضاهای خصوصی زنانه و در نهایت مراسم فامیلی و خانوادگی خلاصه می‌شود.

حضور زن در عرصه عمومی؛ دگرگونی عرف‌ها

گفتیم که در فرهنگ سنتی ایران، حضور زن در عرصه عمومی باید با اجازه شوهر یا خانواده همراه باشد.^۱ در این قسمت، با استفاده از دو گویه (یکی برای مردان (شماره ۱۳) و یکی برای زنان (شماره ۷)، به سنجش این عرف پرداخته شد. گویه زنان عبارت بود از: «هروقت احساس کنم نیاز دارم به فضاهای عمومی بروم این کار را انجام می‌دهم و نیازی به اجازه گرفتن ندارم.» حدود ۴۴/۴ درصد زنان موافق و ۳۳/۱ درصد مخالف این گویه بودند و ۲۱/۱ درصد نیز نظری در این زمینه نداشتند. اگر این ۲۱ درصد را جزء کسانی بدانیم که مرددند یا به دلیل غرور خود

۱. این وضعیت در خانواده‌های سنتی به زیبایی در رمان *دلان بهشت* [ص ۲۵، ص ۷۰ و ۷۱] بیان شده است.

نخواستند اذعان کنند، باید نتیجه گرفت که خیلی از زنان برای حضور در عرصه‌های عمومی، مثل پارک، به اجازه مرد خانه یا خانواده نیاز دارند. در همین زمینه، گویه مردان عبارت بود از: «از دیدگاه من، رفتن خانواده‌ام (زن یا فرزند دختر) به پارک مانعی ندارد و به اجازه گرفتن از من نیاز ندارند.» حدود ۴۵/۳ درصد مردان موافق و ۳۳/۵ درصد نیز مخالف این گویه بودند. دیدگاه‌های هر دو به هم نزدیک است.

خانواده و حضور زن در عرصه عمومی

در این قسمت از سه گویه استفاده شده است. دو گویه برای زنان (یکی منفی (شماره ۱۱) و دیگری مثبت (شماره ۱۲)) و یک گویه برای مردان (گویه شماره ۱۴). گویه منفی عبارت بود از: «دلیل اصلی من برای حضور نداشتن در فضاهایی مانند پارک، ممانعت خانواده و مخالفت آن‌ها است.» فقط ۱۸/۱ درصد زنان موافق این قضیه بودند. در مقابل، ۶۴/۴ درصد مخالف آن بودند. به عبارت دیگر، اغلب زنان معتقدند که خانواده‌ها مانعی برای حضور زنان در عرصه‌های عمومی نیستند. در گویه مثبت هم نتیجه مشابهی به دست می‌آید. حدود ۶۹/۲ درصد زنان معتقدند که «خانواده مشکلی با رفتن آن‌ها به فضاهای عمومی مانند پارک ندارند، ولی آن‌ها خود به تنهایی در چنین فضاهایی احساس راحتی و آرامش نمی‌کنند». البته ۲۱/۱ درصد نیز مخالف این گویه بودند. اما دیدگاه مردان در این زمینه اندکی متفاوت است. بیشتر از ۴۹ درصد مردان موافق‌اند که «دلیل اصلی زنان برای حضور نداشتن در فضاهایی مانند پارک، ممانعت خانواده‌ها و مخالفت آن‌هاست.» فقط ۱۹/۶ درصد مخالف آن بودند.

بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه زنان خانواده‌ها مانع اساسی برای حضور زنان در عرصه عمومی نیستند. البته گویه‌های قبلی نشان دادند که این حضور باید با اجازه همراه باشد. به عبارت دیگر، در بسیاری از خانواده‌ها زنان خود به تنهایی عامل انتخاب برای حضور در عرصه عمومی نیستند. به تعبیر سن، انسانی که عامل نیست بدون قدرت است و در جهان کنونی کسی که بدون قدرت باشد شهروند نیست، زیرا مهم‌ترین ویژگی عاملیت، قدرت انتخاب است [۲۶۳، ص ۲۱]. در عاملیت، قدرت انتخاب میسر نمی‌شود، مگر آنکه انسان‌ها خود را «فاعلائی صاحب‌رأی و نماداندیش» بدانند «که بر وفق درک و حاجت خویش عمل می‌کنند» [۱۱۵، ص ۳۱]. در این معنا، عامل کنشگری است که زمان و مکان را می‌شناسد. در ساختار عمل می‌کند بدوم آنکه اسیر آن شود. تاریخ را می‌سازد، هرچند «نه آن‌گونه که خود می‌خواهد» [۲۲، ص ۷۹]. او از ساختار تأثیر می‌پذیرد بدون اینکه محکوم آن شود، در قبال آنچه انجام می‌دهد مسئول است، و به دنبال تحقق خواسته‌های خود بدون توجه به سازمان اجتماعی نیست. بنابراین، هنوز نمی‌توان بخش عظیمی از زنان را عاملان باقدرت در عرصه عمومی در جامعه ایرانی دانست.

زنان امروزی و کارهای زنانه

گفتیم یکی از مشکلات اصلی، که باعث محدودیت حضور زنان در فضاها می‌شود، وظایف زنانه در خانواده‌هاست که به صورت عرفی بر عهده زنان گذاشته شده است؛ وظایفی مانند آشپزی، نگهداری از بچه‌ها، پخت‌وپز، و... کارهایی که وقت زیادی از زنان می‌گیرد و باعث کاهش زمان حضور آنها در فضاها می‌شود. در اینجا با استفاده از گویه‌ای دیدگاه هر دو گروه نسبت به وظایف امروزی زنان سنجیده شده است. در این گویه گفته شده که «در شرایط امروزی، نقش زنان فقط آشپزی و مراقبت از کودکان نیست، بلکه آنها می‌توانند در عرصه عمومی و فعالیت‌های اجتماعی، حضور فعالی داشته باشند». حدود ۹۱ درصد زنان موافق این گویه بودند. این تنها گویه‌ای است که این مقدار اجماع بر آن در میان زنان وجود دارد. به علاوه، ۶۷/۱ درصد مردان نیز موافق این گویه بودند و فقط ۱۱/۷ درصد آنها مخالف بوده‌اند. در نتیجه، هم زنان و هم مردان موافقند که امروزه نقش زنان فقط در آشپزی و مراقبت از بچه‌ها و پخت‌وپز خلاصه نمی‌شود. آنها باید بتوانند و می‌توانند در عرصه عمومی و فعالیت‌های اجتماعی در عرصه عمومی مشارکت و درگیری داشته باشند. هرچند، تبدیل شدن این اجماع به واقعیت شاید زمان زیادی بطلبد.

بحث، جمع‌بندی، و نتیجه‌گیری

فضاهای سنتی (اندرونی و بیرونی) تغییر کرده‌اند؛ زنان و مردان سنتی نیز تغییر کرده‌اند. زنان، دیگر خانه‌نشین نیستند. حضور آنها در عرصه‌های عمومی کم‌وبیش با شدت و ضعف‌هایی، با توجه به جایگاهشان در جامعه، افزایش یافته است. مردان هم دیگر آن نگاه مردان سنتی را به زنان ندارند (البته بازهم با شدت و ضعف‌هایی با توجه به جایگاهشان در جامعه). محدودیت‌های خانوادگی، کارهای زنانه، و فراهم نبودن فعالیت‌های مناسب برای زنان در فضاها می‌شود، مانند پارک، از عوامل مهم و محدودکننده حضور زنان در فضاها می‌شود.

درباره نحوه حضور زنان امروزی در فضاها عمومی، نسبت به زنان سنتی دگرگونی‌هایی حاصل شده است. زنان از «چهاردیواری» و «اندرونی» بیرون آمده‌اند و امکاناتی مانند رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره، و... شکل‌های جدیدی از رابطه و فرصت‌های زیادی برای ارتباط با بیرون از خانه را برای زنان فراهم آورده است؛ بالا رفتن نرخ اشتغال و تحصیلات زنان، به‌منزله دو عامل مدرن، شرایط حضور زنان در عرصه عمومی را تسهیل کرده است، اما هنوز هم حوزه‌هایی مثل فضاها خانگی متعلق به زنان است؛ هرچند، هم خود زنان و هم مردان در ظاهر اعتقاد چندانی به این تعلق زنان به فضاها خانگی نداشته‌اند. به عبارت دیگر، باینکه زنان و مردان جامعه امروز ایرانی در مکان و زمان مدرن زندگی می‌کنند و به قول ماهرویان

«ساخت اسطوره‌های ذهن [شان] ترک برداشته» [۳۲، ص ۴۳] است، خیلی از بینش‌های ذهنی هنوز هم سنتی‌اند. چیزی که جهان‌نگلو از آن به‌منزله «وضعیت برزخی» [۴، ص ۲۸۲] یاد می‌کند. فرد ایرانی، امروزه در واقع در زمان و مکان دنیای مدرن زندگی می‌کند، از زمان ساعتی گرفته تا زمانی که از تکنولوژی‌های گوناگون استفاده می‌کند، ولی در واقع بینش ذهنی‌اش همان بینش سنتی باقی مانده است.

می‌توان گفت جامعه ایرانی، به‌خصوص در شهرهای بزرگ، تحت تأثیر زندگی غربی است، ولی اخلاق سنتی دارد. به عبارت دیگر، بعد ابزاری زندگی مدرن است، ولی اخلاق سنتی همیشه جوابگوی جامعه مدرن نیست [۱۵، ص ۲۱۵]. مدرنیته با حرکت پیوسته و رو به جلو خود، بسیاری از سنت‌ها و باورهای عمیق را، حداقل در قشر بزرگی از جامعه، از بین برده است و شیوه‌های زیستی تازه‌ای را تولید کرده است. مدرنیته باعث شده که بسیاری از مردان امروزی به قول رولان بارت «بدانند که چه چیزهایی دیگر ممکن نیست» [۱، ص ۲۷۳]. مدرنیته باعث تحول در دیدگاه زنان و مردان امروزی به جهان و به‌خصوص به خود شده است. آن‌ها تعریف تازه‌ای از خود و جایگاه خود در جهان هستی دارند. امروزه، در ایران، مدرنیته فقط مدرنیسم تکنولوژیک یا وجوه اقتصادی آن نیست، بلکه آثار پنهان مدرنیته در عرصه عمومی باعث دگرذیسی‌های اساسی شده است. زنان پایه‌پای مردان در عرصه‌های عمومی مانند خیابان، بازار، پارک، پاساژ، کافی‌شاپ، و... حضور دارند؛ و این حضور برای درصد زیادی، فقط به دلیل ضرورت‌های زندگی نیست، بلکه حالت انتخابی دارد؛ حتی اگر مشکلات فراوانی در چنین فضاهایی داشته باشند. با آنکه حضور آن‌ها در مقایسه با مردان محدود است (حداقل در این مطالعه، میزان استفاده زنان از پارک در مقایسه با مردان محدود است. بیشتر از ۵۲ درصد زنان به صورت اتفاقی و هرچند هفته یک بار از پارک استفاده می‌کنند. این میزان برای مردان ۲۱ درصد است. بیشتر از ۳۵ درصد مردان بیشتر از سه بار در هفته از پارک‌ها استفاده می‌کنند؛ ولی این میزان برای زنان حدود ۱۳ درصد است)، مسئله اساسی این است که امروزه پاتوق زنان حمام‌های عمومی نیست، که دیگر تحت تأثیر تکنولوژی حمامی برای پاتوق وجود ندارد. جمع شدن با همسایه‌ها و آشنایان محلی در جلو در منازل و محله نیز باز به سبب مدرنیته و تحولات شهرنشینی، اگر نگوییم کاملاً از بین رفته، در بسیاری از شهرهای بزرگ کاهش شدیدی داشته است. بدین ترتیب، فضاهای جدیدی شکل گرفته که حضور زنان در آن‌ها، در مقایسه با مردان کم و دشوار، ولی اجتناب‌ناپذیر است.

در جامعه ایرانی ارزش‌ها تغییر کرده است. در نتیجه دگرگونی این ارزش‌ها و ساختارها، عرصه عمومی و فضاهای عمومی شهری به لحاظ کارکرد دچار تحولات عمیقی شده است؛ به‌خصوص در کشور ما که عرصه عمومی در برابر عرصه خصوصی و دولتی همیشه در طول تاریخ حالتی خنثی داشته و به تعبیری وجود نداشته است. به عبارت دیگر، در تنگنا قرار گرفتن

عرصه عمومی، باعث اهمیت یافتن عرصه خصوصی یا به تعبیری چهاردیواری اختیاری [۱۰] در جامعه ایرانی شده است. جامعه‌ای که در آن هریک از ایرانیان به «جامعه‌ای مستقل» تبدیل شده است که ریاست مطلق آن برعهده خود افراد، محدود به چند عضو خانواده است؛ یا اینکه افراد، محفل کوچکی ساخته‌اند و به دور این «جامعه مستقل» یا این «محفل کوچک»، حصار حصین از رفتار و اعتقاد کشیده‌اند و زندگی در اجتماع را برای خود، نه یک اصل، که ضرورتی نامطلوب تشخیص داده‌اند [۲۷، ص ۸].

اما گسترش شهرنشینی، کوچک شدن عرصه زندگی خصوصی، و بسیاری مسائل دیگر، که پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم مدرنیته هستند، موجب شکل‌گیری نیرویی عرفی در جامعه شده است و قواعدی را تعریف می‌کند که پیرو فرمان‌های رسمی نیست. گیدنز از اصطلاح «سیاست زندگی» برای توضیح نحوه شکل‌گیری این قواعد جدید استفاده می‌کند. او می‌گوید: سیاست زندگی وقتی ظاهر می‌شود که دیگر آداب و رسوم، کارکردی برای تعریف قواعد ندارد؛ یعنی آن آداب گذشته دیگر نمی‌تواند قواعد زیست‌جمعی ما را تعریف کند. اینجاست که عرصه‌های زیادی در زندگی پیدا می‌شود که باید درباره آن‌ها تصمیم گرفت. استراتژی‌های فردی زنان درباره تحصیل، سن ازدواج، فرصت‌های ازدواج، تعداد فرزندان، و خیلی امور دیگر متنوع‌تر شده است [۱۷، ص ۳۹ و ۴۰]. شایان ذکر است منطقه مطالعه‌شده این مقاله شهر تبریز، یکی از مادرشهرهای مهم ایران و به تعبیری دروازه ورود مدرنیته به ایران، است. بنابراین، هرچه به سمت شهرهای کوچک‌تر و روستاها حرکت کنیم، امر مسلم از شدت تحولات و دگرگونی ارزش‌ها نیز کاسته خواهد شد.

با ظهور مدرنیسم، فضاهای جدیدی شکل گرفته که زنان نیز در آن‌ها حضور می‌یابند. برای نمونه می‌توان به رستوران‌ها، کافی‌شاپ‌ها، مراکز خرید و پاساژها، و پارک‌ها اشاره کرد. برخی از فضاهایی که در دوره‌های قبل، مردانه، زنانه بوده‌اند، مانند بازارها، ولی عملاً در تسلط مردان قرار داشتند و حضور زنان در آن‌ها محدود بود. بازار در دوره قبل تا حدود زیادی مردانه بود، حال آنکه در دوره معاصر بازارهای مدرن و مراکز خرید، از عرصه‌های مهم گذران اوقات فراغت زنان محسوب می‌شود [۷، ص ۷۰]. امروزه پارک‌ها هم وضعیتی مانند بازارها پیدا کرده‌اند. زنان پایه‌پای مردان در این فضاها حضور دارند و از آن به‌منزله یکی از راه‌های هویت‌یابی خود استفاده می‌کنند. حضور زنان در فضاهای عمومی، مانند پارک، فقط برای استراحت و پیک‌نیک نیست. آن‌ها از این فضا برای نمایش خود نیز استفاده می‌کنند.

به این ترتیب، مدرنیته باعث تحول و پویایی زیادی در شهرهای ایران (به‌خصوص شهرهای بزرگ) شده است. در نتیجه این پویایی و تحول، «همه روابط ثابت و منجمد، همراه با پیش‌داوری‌ها و عقاید کهنه و محترم وابسته به آن‌ها» به تعبیر مارکس [۵، ص ۲۲] به حاشیه رانده شده یا در حال رانده شدن‌اند. بسیاری از آن چیزهایی که «سخت و استوار» بود، در حال

سست شدن است؛ حتی اگر هنوز فاصله زیادی تا حضور راحت و بدون احساس ناامنی برای زنان جهت حضور در فضاهای عمومی وجود داشته باشد.

منابع

- [۱] احمدی بابک (۱۳۷۷). *معمای مدرنیته*، تهران: مرکز.
- [۲] آزادارمکی، تقی (۱۳۷۹). *اندیشه نوسازی در ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- [۳] آزادارمکی، تقی (۱۳۸۰). *مدرنیته ایرانی: روشنفکران و پارادایم فکری عقب‌ماندگی در ایران*، تهران: اجتماع.
- [۴] آشوری، داریوش (۱۳۷۶). *ما و مدرنیته*، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- [۵] برمن، مارشال (۱۳۸۶). *تجربه مدرنیته: هر آنچه سخت است دود می‌شود و به هوا می‌رود*، ترجمه مراد فرهادپور، چ ۶، تهران: طرح نو.
- [۶] بهنام، جمشید (۱۳۸۶). *ایرانیان و اندیشه تجدد*، چ ۳، تهران: فرزانه روز.
- [۷] پوراحمد، احمد؛ سالاروندیان، فاطمه (۱۳۹۱). «روند تحولات تاریخی فضاهای گذران اوقات فراغت زنان از قاجاریه تاکنون در شهر تهران»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۱۰، ش ۳، ص ۷۴-۵۱.
- [۸] پوراحمد، احمد؛ موسوی، سیروس (۱۳۸۹). «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهرهای ایرانی-اسلامی، ش ۲، ص ۱-۱۲.
- [۹] پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، چ ۲، تهران: خوارزمی.
- [۱۰] پیران، پرویز (۱۳۸۴). «نظریه شهر در ایران (سخنرانی)»، فصلنامه جستارهای شهرسازی، ش ۱۲، ص ۱۱۸-۱۲۱.
- [۱۱] تمدن، رؤیا (۱۳۸۷). «زنان و فضاهای شهری»، فصلنامه جستارهای شهرسازی (ویژه زنان و شهر)، س ۷، ش ۲۴ و ۲۵، ص ۲۰-۲۳.
- [۱۲] جمالزاده، محمدعلی (۱۳۲۰). *یکی بود یکی نبود*، تهران: انتشارات بنگاه پروین، استفاده از نسخه نشر الکترونیک، بهمن ۱۳۸۸.
- [۱۳] _____ (۱۳۵۵). «زنی زشت‌رو در سر و ته یک کرباس»، مجله رستاخیز، ش ۴۵۶.
- [۱۴] جهانبگلو، رامین (۱۳۸۶). *موج چهارم*، ترجمه منصور گودرزی، چ ۵، تهران: نی، تهران.
- [۱۵] جهانبگلو، رامین (۱۳۷۶). *مدرن‌ها*، تهران: مرکز.
- [۱۶] حسن بیگی، حسن (۱۳۶۸). *تهران قدیم*، چ ۲، تهران: ققنوس.
- [۱۷] خاتم، اعظم (۱۳۸۶). «تغییر نقش زنان در حوزه عمومی و خصوصی»، نشریه بازتاب اندیشه (مصاحبه)، ش ۸۷، ص ۳۶-۴۶.

- [۱۸] خاماچی، بهروز (۱۳۸۹). شهر من تبریز، چ ۳، تبریز: ندای شمس.
- [۱۹] رحمت‌آبادی، الهام (۱۳۸۷). «از اندرونی تا عرصه عمومی»، فصلنامه جستارهای شهرسازی (ویژه زنان و شهر)، س ۷، ش ۲۴ و ۲۵، ص ۹۴-۹۹.
- [۲۰] زیباکلام، صادق (۱۳۸۹). سنت و مدرنیته: ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار، چ ۷، تهران: روزنه.
- [۲۱] سن، آمارتیا (۱۳۸۱). توسعه به‌مثابه آزادی، ترجمه حسین راغفر، تهران: کویر.
- [۲۲] سینگر، پیتر (۱۳۷۹). مارکس، ترجمه محمد اسکندری، تهران: طرح نو.
- [۲۳] شهری، جعفر (۱۳۶۷). تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم: زندگی، کسب و کار، ج ۱، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
- [۲۴] شیل، مری (۱۳۶۲)، خاطرات لیدی شیل: همسر وزیرمختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، ترجمه حسن ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- [۲۵] صفوی، نازی (۱۳۷۷). دالان بهشت، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ اول، ۴۴۸ ص.
- [۲۶] عظیمی آرانی، حسین (۱۳۸۳). ایران امروز در آئینه مباحث توسعه (برای حل بحران‌های کوتاه و بلندمدت اقتصادی چه باید کرد؟)، چ ۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- [۲۷] علیرضائزاد، سهیلا؛ سرایی، حسن (۱۳۸۶). «زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای در مورد فضاهای عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن»، نشریه نامه علوم اجتماعی، ش ۳۰، ص ۱۲۳-۱۵۰.
- [۲۸] غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۷). تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر، تهران: مرکز.
- [۲۹] کاستللو، وینسنت فرانسیس (۱۳۷۱). شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، چ ۲، تهران: نی.
- [۳۰] کلیور رایس، کلارا (۱۳۶۶). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، ترجمه اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- [۳۱] لیتل، دانیل (۱۳۸۱). تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- [۳۲] ماهرویان، هوشنگ (۱۳۷۸). مدرنیته و بحران ما، تهران: همراه.
- [۳۳] مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷). طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندی اجتماعی-مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، چ ۳، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- [۳۴] مرادی، سلمان (۱۳۸۷). «تصادم فرهنگی: چالش برنامه‌ریزی برای نیازهای فضایی عمومی زنان مسلمان»، فصلنامه جستارهای شهرسازی (ویژه زنان و شهر)، س ۷، ش ۲۴ و ۲۵، ص ۱۰۰-۱۰۵.
- [۳۵] معروفی، عباس (۱۳۸۸). سمفونی مردگان، چ ۱۳، تهران: ققنوس.

[۳۶] ولی زاده، وحید (۱۳۸۷). «جنسیت در آثار رمان نویسان زن ایرانی»، نشریه نقد ادبی، ش اول، ص ۱۹۱-۲۲۴.

- [37] Abu-lughod Janet I. (1987). *The Islamic City – Historic Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance*, in International Journal of Middle Eastern Studies, No 19, pp155-76.
- [38] Bagheri Nazgol (2013). *Modernizing the Public Space: Gender Identifities, Multiple Modernities, and Space Politics in Tehran*, A DISSERTATION IN Geosciences and Sociology, Presented to the Faculty of the University of Missouri-Kansas City in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree, DOCTOR OF PHILOSOPHY.
- [39] Brill, Michael (1989). *Transformation, nostalgia and illusion in public life and public space*, in I. Altman and E. Zube (eds) *Public Places and Spaces*, New York, Plenum Press.
- [40] Bunschoten Raoul (2002). *Public Spaces*, Black Dog Publishing, London
- [41] Gregory Derek; Johnston Ron; Pratt Geraldine; Watts Michael J. and Whatmore Sarah (2009). *The Dictionary of Human Geography*, 5th edition, Blackwell Publishing, United Kingdom.
- [42] Henaff Marcel and Strong Tracy B. (2001). *Public Space and Democracy*, University of Minnesota Press, Minneapolis, London.
- [43] Hou Jeffrey (2010). *Insurgent Public Space: Guerrilla urbanism and the remaking of contemporary cities*, published 2010 by Routledge, London and New York.
- [44] McDowell Linda (1999). *Gender, Identity and Place Understanding Feminist Geographies*, University of Minnesota Press Minneapolis, United States
- [45] Panu Lehtovuori (2005). *EXPERIENCE AND CONFLICT: The dialectics of the production of public urban space in the light of new event venues in Helsinki 1993–2003*, Helsinki University of Technology: Centre for Urban and Regional Studies Publications, Espoo, Finland.
- [46] Woolley, Helen. (2003). *Urban Open Spaces*, First published By Spon Press, London.